



شهید

کشته راه خدا در **جهاد** با دشمنان را شهید گویند. از عنوان یاد شده در بابهای طهارت، حج و جهاد سخن گفته‌اند.

فهرست مندرجات

- ۱- تعریف شهید
- ۲- حکم کشته شده در جهاد دفاعی در عصر غیبت
- ۳- اطلاق تنزیلی در معنای شهید
- ۴- منزلت شهید و شهادت
- ۵- احکام شهید
- ۶- استثنای شهید از غسل دادن و کفن کردن
- ۶.۱- سقوط غسل از شهید از باب عزیمت نه رخصت
- ۷- شرایط جریان احکام شهید بر کشته راه خدا
- ۸- عدم تفاوت در جریان حکم شهید بین زن و مرد و...
- ۹- کشته‌ای که در میدان جنگ پیدا شده است
- ۱۰- کشته در جنگ با باغیان
- ۱۱- لباس شهید
- ۱۱.۱- شلوار، کلاه، عمامه و کمر بند
- ۱۱.۲- کفش و لباس تهیه شده از پوست
- ۱۲- عدم وجوب غسل مس میت در مس بدن شهید
- ۱۳- استحباب زیارت قبور شهدا
- ۱۴- پانویس
- ۱۵- منبع

تعریف شهید

شهید- که در **فقه** موضوع احکامی خاص همچون بی نیازی از **غسل** و **کفن** قرار گرفته- عبارت است از کسی که در جهاد با کافران یا **باغیان** در میدان جنگ کشته شود، به **شرط** آنکه جنگ با اذن **پیامبر** صلی الله علیه وآله یا **امام** علیه السلام و یا **نایب خاص** ایشان باشد.

حکم کشته شده در جهاد دفاعی در عصر غیبت

آیا بر کسی که در **عصر غیبت** یا در زمان حضور و عدم امکان اذن گرفتن از **معصوم** علیه السلام در **جهاد دفاعی** (دفاع از اسلام و مسلمانان) کشته شده، **احکام شهید** بار می‌شود یا نه؟ مسئله اختلافی است. گروهی از فقها بر کشته در جهاد دفاعی نیز احکام شهید را جاری دانسته‌اند. [۱] [۲] [۳] [۴] [۵] [۶] در مقابل گروهی دیگر، تنها قسم نخست را مشمول احکام شهید دانسته‌اند؛ [۷] [۸] [۹] [۱۰] [۱۱] بلکه این قول به مشهور نسبت داده شده است. [۱۲]

اطلاق تنزیلی در معنای شهید

شهید، علاوه بر اطلاق یاد شده، اطلاق دیگری نیز دارد که برخی از آن به «**اطلاق تنزیلی**» و یا شهید به حسب **اجر** و **ثواب** تعبیر کرده‌اند. شهید در این اطلاق- که ریشه در روایات دارد- بر فردی که در راه **حفظ جان**، **مال** یا **ناموس** خود در برابر دشمن مهاجم کشته می‌شود، اطلاق می‌گردد؛ چنان که بر فردی هم که با مرگ سخت فوت می‌کند، همچون زنی که بر اثر زایمان می‌میرد یا کسی که غرق می‌شود و یا زیر آوار می‌ماند، شهید اطلاق شده است؛ [۱۳] [۱۴] لیکن احکام شهید بر این افراد جاری نمی‌شود و تنها در اجر و ثواب با **شهدا** شریک‌اند.

منزلت شهید و شهادت

شهادت در راه خدا برترین مرگ است [۱۵]

و شهید در مقایسه با دیگران برترین جایگاه و بالاترین منزلت را نزد پروردگار دارد. **خداوند متعال** در **قرآن کریم**، منزلت شهید را این گونه توصیف می‌کند: «... وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ؛ [۱۶]

و کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، **مرده** میندازید؛ بلکه اینان **زنده** و نزد پروردگارشان متنعم‌اند».

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «برتر از هر نیکی‌ای دیگر وجود دارد تا آنکه آدمی در راه خدا کشته می‌شود، که بالاتر از آن نیکی‌ای وجود ندارد» [۱۷]

و در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «خداوند با ریخته شدن **اولین قطره خون شهید** تمامی **گناهان** او را می‌آمرزد». [۱۸]

و نیز از آن گرامی نقل شده است که «هیچ قطره‌ای نزد **خداوند** محبوب‌تر از قطره خونی که در راه **خدا** ریخته می‌شود نیست». [۱۹]

استثنای شهید از غسل دادن و کفن کردن

غسل دادن و **کفن کردن میت مسلمان واجب** است؛ لیکن شهید از این حکم استثنا شده است و بر او با همان **لباس** و **بدن خون آلود نماز** گزارده و سپس دفن می‌شود. [۲۰]

← سقوط غسل از شهید از باب عزیمت نه رخصت

سقوط غسل از شهید **عزیمت** است و نه **رخصت**. بنابر این، غسل دادن او جایز نیست؛ چنان که کندن لباس شهید **جایز** نمی‌باشد؛ بلکه با لباسش دفن می‌گردد؛ لیکن چنانچه در حال شهادت بدون لباس باشد، کفن کردن او **واجب** است. در اینکه کفن کردن شهید از روی لباسهایش جایز است یا نه، اختلاف است. اکثر فقها در **مشروعیت** آن اشکال کرده‌اند. [۲۱] [۲۲] [۲۳] [۲۴]

شرایط جریان احکام شهید بر کشته راه خدا

جریان احکام شهید بر کشته راه خدا **مشروط** به شرایطی است:

۱. بنابر قول گروهی، جهاد با **اذن امام** علیه السلام یا نایب خاص او باشد؛ چنان که در تعریف شهید گذشت.
۲. فرد، در **عرصه نبرد** کشته شده باشد. در جریان حکم شهید نسبت به کسی که در میدان جنگ زخمی شده و ساعاتی پس از انتقال به پشت جبهه، پیش از آنکه جنگ خاتمه یابد، کشته شده است، اختلاف می‌باشد. گروهی احکام شهید را بر چنین فردی جاری دانسته‌اند؛ [۲۵] [۲۶] [۲۷] [۲۸]
- لیکن برخی جاری ندانسته‌اند. [۲۹] [۳۰] [۳۱] [۳۲]

البته اگر مجروح منتقل شده به پشت جبهه پس از جنگ بمیرد، احکام شهید بر او جاری نمی‌شود. [۳۳]

عدم تفاوت در جریان حکم شهید بین زن و مرد و...

در جریان حکم شهید تفاوتی میان **زن و مرد**، **کوچک و بزرگ** و **برده و آزاد** نیست؛ [۳۴] [۳۵]

هرچند برخی در جریان حکم شهید بر کسی که **مکلف** به جهاد نیست، همچون **کودک** و **دیوانه** تأمل کرده‌اند. [۳۶]

کشته‌ای که در میدان جنگ پیدا شده است

بر کشته‌ای که در میدان جنگ پیدا شده است و در بدنش اثر کشته شدن وجود دارد، **احکام شهید** بار می‌شود؛ اما اگر اثری از کشته شدن در بدنش وجود نداشته باشد، اجرای احکام شهید بر او محل اختلاف است. [۳۷] [۳۸] [۳۹] [۴۰]

کشته در جنگ با باغیان

کشته در جنگ با **باغیان**، حکم کشته در **جنگ** با **کافران** را دارد و احکام شهید بر او نیز جاری است. [۴۱]

به قول مشهور، از شهیدی که هنگام شهادت، **جنب**، **حائض** یا **نفسا** بوده، غسل ساقط است. [۴۲] [۴۳]

لباس شهید

← شلوار، کلاه، عمامه و کمر بند

گذشت که شهید باید با لباسش دفن شود. بنابر این، **شلوار**، **کلاه**، **عمامه** و **کمر بند** آغشته به خون شهید نیز در صورتی که از **پوست** تهیه نشده باشند با او دفن می‌گردند و کندن آنها جایز نیست، لیکن اگر به خون آغشته نباشند آیا باید از شهید جدا کرد یا با او دفن می‌شوند، مسئله محل اختلاف است. نظر مشهور قول دوم است. قول مقابل **مشهور**، عدم جواز دفن آنها با شهید است.

← کفش و لباس تهیه شده از پوست

کفش شهید در صورت آغشته نبودن به **خون**؛ بلکه به قول مشهور، حتی در صورت آغشته بودن، همراه شهید دفن نمی‌گردد.

به قول مشهور همچنین است **لباس** تهیه شده از پوست. برخی در صورت آغشته بودن لباس پوستی به خون، دفن آن را همراه شهید **واجب** دانسته‌اند. برخی نیز در وجوب کندن آن در صورتی که عنوان لباس داشته باشد؛ بویژه اگر لباس شهید منحصر به آن باشد، اشکال کرده‌اند. [۴۴] [۴۵]

عدم وجوب غسل مس میت در مس بدن شهید

به تصریح جمعی از **فقها**، مس بدن شهید موجب **غسل مس میت** نیست؛ [۴۶] [۴۷] [۴۸]

هرچند برخی در این حکم اشکال کرده [۴۹] [۵۰] [۵۱]

و برخی آن را واجب دانسته‌اند. [۵۲] [۵۳]

استحباب زیارت قبور شهدا

زیارت قبر مطهر **سالار شهیدان**، حضرت **امام حسین** علیه السلام و نیز دیگر **شهدای کربلا**، **مستحب مؤکد** است؛ [۵۴] [۵۵]

پانویس

۱. ↑ المعتمر ج ۱، ص ۳۱۱.
۲. ↑ الدروس الشرعية ج ۱، ص ۱۰۵.
۳. ↑ جامع المقاصد ج ۱، ص ۳۶۵.
۴. ↑ الحدائق الناضرة ج ۳، ص ۴۱۵.
۵. ↑ جواهر الكلام ج ۲۱، ص ۱۵-۱۶.
۶. ↑ مصباح الفقيه ج ۵، ص ۱۱۵.
۷. ↑ المقنعة، ص ۸۴.
۸. ↑ المبسوط ج ۱، ص ۱۸۱.
۹. ↑ المراسم العلوية، ص ۴۵.
۱۰. ↑ الوسيلة، ص ۶۲.
۱۱. ↑ كتاب السرائر ج ۱، ص ۱۶۶.
۱۲. ↑ مجمع الفائدة ج ۱، ص ۲۰۱.
۱۳. ↑ روض الجنان ج ۱، ص ۲۹۹-۳۰۰.
۱۴. ↑ العروة الوثقى ج ۲، ص ۲۴.
۱۵. ↑ وسائل الشیعة ج ۱۵، ص ۱۴.
۱۶. ↑ آل عمران/سوره ۲، آیه ۱۶۹.
۱۷. ↑ وسائل الشیعة ج ۱۵، ص ۱۷.
۱۸. ↑ وسائل الشیعة ج ۱۵، ص ۱۶.
۱۹. ↑ وسائل الشیعة ج ۱۵، ص ۱۴.
۲۰. ↑ جواهر الكلام ج ۴، ص ۹۱.
۲۱. ↑ العروة الوثقى ج ۲، ص ۴۲.
۲۲. ↑ مستمسک العروة ج ۴، ص ۱۰۷-۱۰۸.
۲۳. ↑ مصباح الهدی ج ۶، ص ۲۲-۲۵.
۲۴. ↑ التنقیح (الطهارة) ج ۸، ص ۱۹۰-۱۹۲.
۲۵. ↑ الخلاف ج ۱، ص ۷۱۲.
۲۶. ↑ منتهی المطلب ج ۷، ص ۱۸۵.
۲۷. ↑ جواهر الكلام ج ۴، ص ۸۹-۹۰.
۲۸. ↑ العروة الوثقى ج ۲، ص ۴۰.
۲۹. ↑ المقنعة، ص ۸۴.
۳۰. ↑ الشیعة ج ۱، ص ۳۲۰.
۳۱. ↑ جامع المقاصد ج ۱، ص ۳۶۵.
۳۲. ↑ كشف الإلتباس، ص ۲۷۲-۲۷۳.
۳۳. ↑ الخلاف ج ۱، ص ۷۱۲.
۳۴. ↑ مدارک الأحکام ج ۲، ص ۷۱.
۳۵. ↑ الحدائق الناضرة ج ۳، ص ۴۱۸.
۳۶. ↑ جواهر الكلام ج ۴، ص ۹۲.
۳۷. ↑ المعتمر ج ۱، ص ۳۱۲.
۳۸. ↑ تحرير الأحکام ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۸.
۳۹. ↑ جواهر الكلام ج ۴، ص ۹۲.
۴۰. ↑ مستمسک العروة ج ۴، ص ۱۰۹-۱۱۰.
۴۱. ↑ جواهر الكلام ج ۴، ص ۹۲.
۴۲. ↑ غنائم الأيام ج ۲، ص ۳۹۷.
۴۳. ↑ جواهر الكلام ج ۴، ص ۹۲.
۴۴. ↑ جواهر الكلام ج ۴، ص ۳۷۱-۳۷۴.
۴۵. ↑ العروة الوثقى ج ۲، ص ۴۲-۴۳.
۴۶. ↑ مفتاح الكرامة ج ۲، ص ۸۷۶-۸۷۷.
۴۷. ↑ كشف الغطاء ج ۲، ص ۲۰۷.
۴۸. ↑ مستمسک العروة ج ۲، ص ۴۷۵-۴۷۷.
۴۹. ↑ ذخيرة المعاد، ص ۹۱.
۵۰. ↑ كشف اللثام ج ۳، ص ۴۲۹.
۵۱. ↑ الحدائق الناضرة ج ۲، ص ۳۳۴.
۵۲. ↑ العروة الوثقى ج ۲، ص ۶.
۵۳. ↑ التنقیح (الطهارة) ج ۷، ص ۲۹۴-۲۹۷.
۵۴. ↑ وسائل الشیعة ج ۱۴، ص ۴۰۹.
۵۵. ↑ وسائل الشیعة ج ۱۴، ص ۴۹۰.
۵۶. ↑ وسائل الشیعة ج ۱۲، ص ۲۵۲.
۵۷. ↑ جواهر الكلام ج ۲۰، ص ۱۰۲.
۵۸. ↑ جواهر الكلام ج ۲۰، ص ۱۰۷.

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۴، ص ۷۶۵-۷۶۹.

